

## مدیریت احساسی اقتصاد

مرتضی فاخری

دکتری مدیریت بازرگانی، گرایش بازاریابی، گروه مدیریت، دانشگاه تهران مرکز، تهران، ایران

تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۰۶/۱۶

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۶/۰۵

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۶/۰۱

## Emotional management of the economy

Morteza Fakheri

PHD in Strategic Management, Department of Management, University of Research Sciences, Tehran, Iran

### Abstract

Emotion management in economics and financial markets refers to the process of controlling and regulating emotions and behaviors related to economic decision-making. This concept is especially important in the fields of finance and investment, because emotions such as fear, greed, and anxiety can have profound effects on economic behavior and trading outcomes. Therefore, managing emotions in financial markets is essential not only to avoid unnecessary losses, but can also lead to sustainable trading success. By combining market analysis knowledge, experience, and discipline in managing emotions, traders can improve their performance and gain a competitive advantage. To manage emotions in trading, using appropriate trading plans and specific strategies can be extremely effective. These methods and strategies can help traders better manage their emotions and improve their performance in the financial markets.

**Keyword:** Management, emotion, economy, strategy, decision

### چکیده

مدیریت احساسی در اقتصاد و بازارهای مالی به فرآیند کنترل و تنظیم احساسات و رفتارهای مرتبط با تصمیم‌گیری‌های اقتصادی اشاره دارد. این مفهوم به ویژه در زمینه‌های مالی و سرمایه‌گذاری اهمیت زیادی دارد، زیرا احساساتی مانند ترس، طمع و اضطراب می‌توانند تأثیرات عمیقی بر رفتار اقتصادی و نتایج معاملات داشته باشند. بنابراین، مدیریت احساسات در بازارهای مالی نه تنها برای جلوگیری از زیان‌های غیرضروری، ضروری است بلکه می‌تواند به موفقیت پایدار در معاملات منجر شود. با ترکیب دانش تحلیل بازار، تجربه و انضباط در مدیریت احساسات، معامله‌گران می‌توانند عملکرد خود را بهبود بخشند و از مزیت رقابتی برخوردار شوند. برای مدیریت احساسات در معاملات، استفاده از برنامه‌های معاملاتی مناسب و استراتژی‌های مشخص می‌تواند به شدت مؤثر باشد. این روش‌ها و استراتژی‌ها می‌توانند به معامله‌گران کمک کنند تا احساسات خود را بهتر مدیریت کرده و عملکرد خود را در بازارهای مالی بهبود بخشند.

**کلید واژه:** مدیریت، احساس، اقتصاد، استراتژی، تصمیم

## ۱. مقدمه

مدیریت احساسی اقتصادی به فرآیند کنترل و تنظیم احساسات و رفتارهای مرتبط با تصمیم‌گیری‌های اقتصادی اشاره دارد. این مفهوم ریشه در "اقتصاد رفتاری" که ترکیبی از روانشناسی و اقتصاد می‌باشد تأکید داشته که در آن به بررسی تأثیر احساسات، شناخت و رفتار انسان‌ها بر تصمیم‌گیری‌های اقتصادی با رعایت درک و مدیریت احساساتی مانند ترس، طمع، اضطراب و امید پرداخته می‌شود که همگی این‌ها می‌توانند بر تصمیم‌گیری‌های مالی و اقتصادی یک جامعه تأثیر بگذارند. با توجه به وضعیت اقتصاد پویا و توجه مدیران و مشاوران حوزه سرمایه و تجارت در همه عرصه‌ها و زمینه‌ها، این موضوع را با جزئیات دقیق تری در ۲۰ بند مجزا بررسی می‌نماییم:

### ۱-۱. پایه‌های علمی مدیریت احساسی اقتصاد

اقتصاد سنتی فرض می‌کند که افراد همیشه منطقی عمل می‌کنند و تصمیم‌گیری‌های آن‌ها بر اساس حداکثرسازی سود و مطلوبیت است. اما در واقعیت، احساسات نقش بزرگی در تصمیم‌گیری‌های اقتصادی ایفا می‌کنند. اینجاست که "اقتصاد رفتاری" وارد می‌شود و نشان می‌دهد که چگونه احساسات مانند ترس، طمع، اضطراب و امید می‌توانند بر رفتار اقتصادی تأثیر بگذارند. از نظریه‌های کلیدی و معروف در این موضوع را می‌توان به تئوری چشم انداز (Prospect Theory) اشاره نمود که توسط دانیل کانمن و آموس تورسکی مطرح شد. آنها بیان می‌داشتند که افراد بیشتر از اینکه به دنبال سود باشند، از ضرر اجتناب می‌کنند و این رفتار را ناشی از ترس از دست دادن می‌دانستند. یکی دیگر از نظریه‌ها، تئوری اثر تمایل به تأیید می‌باشد که در آن گفته شده افراد تمایل دارند اطلاعاتی را باور کنند که با احساسات یا باورهای قبلی آن‌ها همخوانی داشته باشد، حتی اگر این اطلاعات نادرست باشد. و در نهایت، نظریه اثر هاله‌ای که ثابت می‌کند احساسات مثبت یا منفی نسبت به یک موضوع می‌توانند بر تصمیم‌گیری‌های اقتصادی تأثیر بگذارند.

## ۲-۱. احساسات کلیدی که بر اقتصاد تأثیر

### می‌گذارند

احساسات خاصی هستند که به طور مکرر بر تصمیم‌گیری‌های اقتصادی تأثیر می‌گذارند. از جمله می‌توان به حس طمع اشاره نمود که با تمایل به کسب سود بیشتر در کوتاه‌ترین زمان ممکن، منجر به سرمایه‌گذاری‌های پرریسک یا ایجاد حباب‌های اقتصادی می‌گردد. یا حس ترس بصورتی که با ترس از دست دادن پول یا موقعیت، می‌تواند منجر به فروش بی‌موقع دارایی‌ها یا کاهش مصرف و سرمایه‌گذاری شود. همچنین می‌توان به حس اضطراب اشاره نمود که با نگرانی درباره آینده اقتصادی، می‌تواند باعث کاهش اعتماد به نفس در تصمیم‌گیری‌های مالی شود. مهم تر از همه حس امید با تمایل به بهبود شرایط اقتصادی، می‌تواند منجر به خوش‌بینی بیش از حد و نادیده گرفتن ریسک‌ها گردد.

## ۳-۱. مدیریت احساسی در تصمیم‌گیری‌های

### اقتصادی

برای مدیریت احساسی اقتصاد، باید احساسات را شناسایی کرده و آن‌ها را به شیوه‌ای کنترل کنیم که به تصمیم‌گیری‌های بهتر منجر شود. این کار در سه سطح انجام می‌شود:

الف) سطح فردی: شناسایی احساسات، تنظیم احساسات، داشتن برنامه بلندمدت و اجتناب از تصمیم‌گیری‌های سریع

ب) سطح سازمانی: رهبری احساسی، شفافیت اطلاعاتی و فرهنگ سازمانی مثبت

ج) سطح کلان اقتصادی: سیاست‌های اقتصادی پایدار، آموزش عمومی و شفافیت در اطلاع‌رسانی

## ۴-۱. نقش فناوری در مدیریت احساسی

### اقتصاد

فناوری‌های نوین، به ویژه در حوزه‌های فین‌تک<sup>۱</sup> و هوش مصنوعی، ابزارهای قدرتمندی برای مدیریت احساسی اقتصاد فراهم کرده‌اند. این فناوری‌ها می‌توانند به افراد و سازمان‌ها کمک کنند تا احساسات خود را بهتر درک و

<sup>۱</sup> FinTech

این حوزه به ما کمک می‌کند تا درک بهتری از مدیریت احساسی اقتصاد داشته باشیم.

- نقش آمیگدال: آمیگدال بخشی از مغز است که مسئول پردازش احساسات مانند ترس و اضطراب است. فعال شدن بیش از حد آمیگدال می‌تواند منجر به تصمیم‌گیری‌های غیرمنطقی شود.
- نقش قشر پیش‌پیشانی: این بخش از مغز مسئول تفکر منطقی و کنترل احساسات است. تقویت این بخش می‌تواند به افراد کمک کند تا احساسات خود را بهتر مدیریت کنند.
- هورمون‌ها و احساسات: هورمون‌هایی مانند کورتیزول (هورمون استرس) و دوپامین (هورمون لذت) می‌توانند بر تصمیم‌گیری‌های اقتصادی تأثیر بگذارند.

#### ۷-۱. مدیریت احساسی اقتصاد در بازارهای مالی

بازارهای مالی یکی از حوزه‌هایی هستند که احساسات به شدت بر آن‌ها تأثیر می‌گذارند. در این بخش، به برخی از مفاهیم کلیدی مرتبط با مدیریت احساسی در بازارهای مالی می‌پردازیم:

- رفتار گله‌ای: تمایل افراد به پیروی از رفتار جمعی، حتی اگر این رفتار غیرمنطقی باشد. این پدیده می‌تواند منجر به حباب‌های اقتصادی یا سقوط بازارها شود.
- اثر لنگر: تمایل افراد به تکیه کردن بر اطلاعات اولیه (مانند قیمت اولیه یک سهم) در تصمیم‌گیری‌های اقتصادی.
- نظریه موج‌های الیوت (Elliott Wave Theory): این نظریه نشان می‌دهد که احساسات جمعی می‌توانند الگوهای موج‌مانندی در بازارهای مالی ایجاد کنند.

#### ۸-۱. مدیریت احساسی اقتصاد و سلامت روان

احساسات کنترل نشده می‌توانند تأثیر منفی بر سلامت روان افراد داشته باشند، که به نوبه خود بر تصمیم‌گیری‌های اقتصادی تأثیر می‌گذارد. مدیریت

کنترل کنند. بطور مثال در مورد اپلیکیشن‌های مالی شخصی، می‌توان با ابزارهایی مانند Mint یا YNAB به کاربران کمک کرد تا احساسات خود را در برابر هزینه‌ها و سرمایه‌گذاری‌ها مدیریت کنند. و یا در مورد هوش مصنوعی، الگوریتم‌های هوش مصنوعی می‌توانند احساسات کاربران را از طریق تحلیل متن (مثلاً در شبکه‌های اجتماعی) شناسایی کرده و به شرکت‌ها کمک کنند تا رفتار بازار را پیش‌بینی کنند. در مورد ربات‌های مشاور مالی هم که بر اساس داده‌ها و الگوریتم‌های منطقی عمل می‌کنند و تحت تأثیر احساسات قرار نمی‌گیرند، می‌توان به کاربران کمک کرد تا تصمیم‌گیری‌های بهتری داشته باشند.

#### ۵-۱. تأثیر فرهنگ بر مدیریت احساسی اقتصاد

فرهنگ نقش مهمی در شکل‌گیری احساسات و رفتارهای اقتصادی افراد دارد. در فرهنگ‌های مختلف، احساساتی افراد با به شیوه‌های متفاوتی بروز کنند.

- فرهنگ‌های فردگرا: در این فرهنگ‌ها، افراد ممکن است بیشتر تحت تأثیر احساسات شخصی خود قرار بگیرند و تصمیم‌گیری‌های اقتصادی مستقل‌تری داشته باشند.
- فرهنگ‌های جمع‌گرا: در این فرهنگ‌ها، احساسات گروهی و جمعی ممکن است تأثیر بیشتری بر تصمیم‌گیری‌های اقتصادی داشته باشند.
- فرهنگ‌های ریسک‌پذیر: در برخی فرهنگ‌ها، ریسک‌پذیری بیشتر پذیرفته شده است، که می‌تواند منجر به تصمیم‌گیری‌های اقتصادی جسورانه‌تر شود.
- فرهنگ‌های محافظه‌کار: در این فرهنگ‌ها، ترس از ضرر ممکن است باعث شود افراد از ریسک کردن اجتناب کنند.

#### ۶-۱. ارتباط مدیریت احساسی اقتصاد با علوم اعصاب

علوم اعصاب به بررسی مکانیسم‌های مغزی می‌پردازد که زیربنای احساسات و تصمیم‌گیری‌های اقتصادی هستند.

که مدیریت احساسات می‌تواند به تصمیم‌گیری‌های بلندمدت و پایدار منجر شود.

- سرمایه‌گذاری مسئولانه: مدیریت احساسات می‌تواند به سرمایه‌گذاران کمک کند تا بر روی پروژه‌های پایدار و مسئولانه سرمایه‌گذاری کنند.
- مصرف آگاهانه: مدیریت احساسات می‌تواند به افراد کمک کند تا از مصرف بیش از حد اجتناب کرده و به سمت سبک‌های زندگی پایدارتر حرکت کنند.

#### ۱۱-۱. مدیریت احساسی اقتصاد و اخلاق

احساسات می‌توانند بر تصمیم‌گیری‌های اخلاقی در حوزه‌ی اقتصاد تأثیر بگذارند. برای مثال، طمع ممکن است منجر به رفتارهای غیراخلاقی مانند کلاهبرداری یا فساد مالی شود، در حالی که همدلی و احساس مسئولیت اجتماعی می‌توانند به تصمیم‌گیری‌های اخلاقی‌تر منجر شوند.

- تأثیر احساسات بر اخلاق: احساساتی مانند ترس یا طمع می‌توانند افراد را به سمت تصمیم‌گیری‌های غیراخلاقی سوق دهند.
- اخلاق در سازمان‌ها: سازمان‌هایی که فرهنگ اخلاقی قوی‌تری دارند، بهتر می‌توانند احساسات کارکنان را مدیریت کرده و از تصمیم‌گیری‌های غیراخلاقی جلوگیری کنند.
- مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها: مدیریت احساسی اقتصاد می‌تواند به شرکت‌ها کمک کند تا در راستای مسئولیت اجتماعی خود عمل کنند و تصمیم‌گیری‌های اخلاقی‌تری داشته باشند.

#### ۱۲-۱. نقش آموزش در مدیریت احساسی

##### اقتصاد

آموزش یکی از کلیدی‌ترین عوامل در مدیریت احساسی اقتصاد است. با افزایش آگاهی و دانش افراد، می‌توان تأثیر احساسات بر تصمیم‌گیری‌های اقتصادی را کاهش داد.

احساسی اقتصاد می‌تواند به بهبود سلامت روان کمک کند.

- استرس مالی: استرس ناشی از مشکلات مالی می‌تواند منجر به اضطراب و افسردگی شود. مدیریت احساسات می‌تواند به کاهش این استرس کمک کند.
- رابطه سلامت روان و تصمیم‌گیری: سلامت روان بهتر می‌تواند به تصمیم‌گیری‌های اقتصادی منطقی‌تر و مؤثرتر منجر شود.
- حمایت روانی: ارائه حمایت روانی به افراد در مواجهه با چالش‌های اقتصادی می‌تواند به آن‌ها کمک کند تا احساسات خود را بهتر مدیریت کنند.

#### ۹-۱. مدیریت احساسی اقتصاد در شرایط

##### بحرانی

در شرایط بحرانی مانند رکود اقتصادی، جنگ یا پاندمی، مدیریت احساسی اقتصاد اهمیت بیشتری پیدا می‌کند. در این شرایط، احساساتی مانند ترس و اضطراب می‌توانند به سرعت گسترش یابند و بر تصمیم‌گیری‌های اقتصادی تأثیر بگذارند.

- سیاست‌های حمایتی دولت: در شرایط بحرانی، دولت‌ها می‌توانند با اجرای سیاست‌های حمایتی (مانند کمک‌های مالی یا کاهش نرخ بهره)، احساسات منفی را کاهش دهند.
- شفافیت اطلاعاتی: ارائه اطلاعات دقیق و به‌موقع به مردم می‌تواند از گسترش ترس و اضطراب جلوگیری کند.
- آموزش عمومی: افزایش آگاهی مردم درباره‌ی تأثیر احساسات بر اقتصاد می‌تواند به آن‌ها کمک کند تا در شرایط بحرانی تصمیم‌گیری‌های بهتری داشته باشند.

#### ۱۰-۱. مدیریت احساسی اقتصاد و توسعه پایدار

مدیریت احساسی اقتصاد می‌تواند به توسعه پایدار کمک کند. احساساتی مانند طمع و ترس می‌توانند منجر به تصمیم‌گیری‌های کوتاه‌مدت و غیرپایدار شوند، در حالی

می‌تواند به کارآفرینان کمک کند تا تصمیم‌گیری‌های بهتری داشته باشند.

- ترس از شکست: بسیاری از کارآفرینان به دلیل ترس از شکست، از شروع کسب‌وکار جدید اجتناب می‌کنند. مدیریت این ترس می‌تواند به آن‌ها کمک کند تا ریسک‌های حساب‌شده بپذیرند.
- اشتیاق و انگیزه: احساساتی مانند اشتیاق و انگیزه می‌توانند به کارآفرینان کمک کنند تا در مواجهه با چالش‌ها مقاومت کنند.
- تعادل بین احساسات و منطق: کارآفرینان موفق کسانی هستند که می‌توانند بین احساسات و منطق تعادل برقرار کنند و تصمیم‌گیری‌های استراتژیک داشته باشند.

#### ۱۵-۱. مدیریت احساسی اقتصاد و جهانی شدن

در دنیای جهانی‌شده‌ی امروز، احساسات می‌توانند به سرعت از یک منطقه به منطقه‌ی دیگر گسترش یابند و بر اقتصاد جهانی تأثیر بگذارند. مدیریت احساسی اقتصاد در این زمینه نیز اهمیت زیادی دارد.

- تأثیر اخبار جهانی: اخبار منفی یا مثبت از یک منطقه می‌توانند احساسات را در سراسر جهان تحت تأثیر قرار دهند.
- هماهنگی بین‌المللی: همکاری بین کشورها برای مدیریت احساسات جمعی می‌تواند به ثبات اقتصادی جهانی کمک کند.
- فناوری و جهانی‌شدن احساسات: شبکه‌های اجتماعی و فناوری‌های ارتباطی می‌توانند احساسات را به سرعت در سراسر جهان گسترش دهند، که نیاز به مدیریت احساسی اقتصاد را بیشتر می‌کند.

#### ۱۶-۱. مدیریت احساسی اقتصاد و تغییرات اقلیمی

تغییرات اقلیمی یکی از بزرگ‌ترین چالش‌های قرن حاضر است، و احساسات می‌توانند بر تصمیم‌گیری‌های مرتبط با این موضوع تأثیر بگذارند.

• آموزش مالی: آموزش مفاهیم مالی به افراد کمک می‌کند تا تصمیم‌گیری‌های بهتری داشته باشند و تحت تأثیر احساسات قرار نگیرند.

• هوش هیجانی: افرادی که از هوش هیجانی بالایی برخوردارند، بهتر می‌توانند احساسات خود را درک کرده و آنها را مدیریت کنند. این امر به آنها کمک می‌کند تا در مواجهه با چالش‌های اقتصادی تصمیم‌گیری‌های بهتری داشته باشند

• آموزش در مدارس و دانشگاه‌ها: گنجاندن مفاهیم مدیریت احساسی اقتصاد در برنامه‌های درسی می‌تواند به نسل‌های آینده کمک کند تا تصمیم‌گیری‌های اقتصادی بهتری داشته باشند.

#### ۱۳-۱. مدیریت احساسی اقتصاد و نوآوری

احساسات می‌توانند هم به عنوان محرک و هم به عنوان مانع برای نوآوری عمل کنند. مدیریت احساسی اقتصاد می‌تواند به افراد و سازمان‌ها کمک کند تا از احساسات به عنوان محرک نوآوری استفاده کنند.

- احساسات مثبت و نوآوری: احساساتی مانند اشتیاق و امید می‌توانند به افراد انگیزه دهند تا ایده‌های جدیدی ارائه کنند و ریسک‌های حساب‌شده بپذیرند.
- احساسات منفی و نوآوری: احساساتی مانند ترس از شکست می‌توانند مانع نوآوری شوند. مدیریت این احساسات می‌تواند به افراد کمک کند تا از شکست نترسند و به دنبال ایده‌های جدید باشند.
- فرهنگ سازمانی و نوآوری: سازمان‌هایی که احساسات کارکنان را به خوبی مدیریت می‌کنند، می‌توانند محیطی ایجاد کنند که نوآوری در آن شکوفا شود.

#### ۱۴-۱. مدیریت احساسی اقتصاد و کارآفرینی

کارآفرینان به طور خاص تحت تأثیر احساسات قرار می‌گیرند، زیرا آن‌ها اغلب با ریسک‌های بالا و عدم اطمینان مواجه هستند. مدیریت احساسی اقتصاد

حوزه‌های کلیدی در آینده تبدیل خواهد شد. برخی از روندهای آینده در این حوزه عبارتند از:

- استفاده گسترده‌تر از هوش مصنوعی: هوش مصنوعی می‌تواند به افراد و سازمان‌ها کمک کند تا احساسات خود را بهتر مدیریت کنند.
- ادغام علوم اعصاب و اقتصاد: تحقیقات بیشتر در حوزه‌ی علوم اعصاب می‌تواند به درک بهتری از تأثیر احساسات بر اقتصاد منجر شود.
- آموزش عمومی گسترده‌تر: افزایش آگاهی مردم درباره‌ی مدیریت احساسی اقتصاد می‌تواند به تصمیم‌گیری‌های بهتر در سطح فردی و جمعی منجر شود.

#### ۲۰-۱. مثال‌های عملی از مدیریت احساسی اقتصاد

- بحران مالی ۲۰۰۸: ترس از سقوط بازارهای مالی باعث شد بسیاری از افراد دارایی‌های خود را با ضرر بفروشند، در حالی که کسانی که احساسات خود را مدیریت کردند، از این بحران سود بردند.
- حباب دات‌کام: طمع برای سود سریع باعث شد بسیاری از افراد در شرکت‌های فناوری بدون پشتوانه سرمایه‌گذاری کنند، که در نهایت منجر به ترکیدن حباب و ضررهای بزرگ شد.
- پاندمی کووید-۱۹: اضطراب ناشی از این بحران باعث کاهش مصرف و سرمایه‌گذاری شد، اما دولت‌ها با اجرای سیاست‌های حمایتی و شفافیت اطلاعاتی، توانستند تا حدی این احساسات را مدیریت کنند.

#### ۲. نتیجه‌گیری

مدیریت احساسی اقتصاد یک مهارت ضروری است که به افراد، سازمان‌ها و دولت‌ها کمک می‌کند تا در مواجهه با چالش‌های اقتصادی، تصمیم‌گیری‌های منطقی و مؤثرتری داشته باشند. با افزایش آگاهی درباره‌ی تأثیر احساسات بر اقتصاد و استفاده از راهکارهای مناسب، می‌توان از تأثیرات منفی احساسات کنترل‌نشده

- ترس از آینده: ترس از تأثیرات تغییرات اقلیمی می‌تواند منجر به تصمیم‌گیری‌های کوتاه‌مدت و غیرپایدار شود.
- امید به فناوری‌های سبز: احساساتی مانند امید و اشتیاق می‌توانند به سرمایه‌گذاری در فناوری‌های پایدار و سبز منجر شوند.
- مسئولیت اجتماعی: مدیریت احساسات می‌تواند به افراد و سازمان‌ها کمک کند تا مسئولیت‌پذیری بیشتری در قبال محیط زیست داشته باشند.

#### ۱۷-۱. چالش‌های مدیریت احساسی اقتصاد

- پیچیدگی احساسات: احساسات انسان‌ها بسیار پیچیده و غیرقابل پیش‌بینی هستند.
- تأثیر رسانه‌ها: اخبار منفی یا مثبت می‌توانند احساسات را تشدید کرده و بر تصمیم‌گیری‌ها تأثیر بگذارند.
- تفاوت‌های فردی: هر فرد به شیوه‌ای متفاوت به احساسات واکنش نشان می‌دهد، بنابراین مدیریت احساسی باید شخصی‌سازی شود.

#### ۱۸-۱. تأثیرات منفی عدم مدیریت احساسی اقتصاد

- عدم مدیریت احساسی اقتصاد می‌تواند منجر به پیامدهای منفی زیر شود:
- حباب‌های اقتصادی: طمع و امید بیش از حد می‌توانند منجر به ایجاد حباب‌های اقتصادی و سفته‌بازی‌های پرریسک شوند.
  - رکود اقتصادی: ترس و اضطراب می‌توانند منجر به کاهش مصرف و سرمایه‌گذاری شده و رکود اقتصادی را تشدید کنند.
  - نوسانات بازار: احساسات شدید می‌توانند باعث نوسانات شدید در بازارهای مالی شوند.

#### ۱۹-۱. آینده مدیریت احساسی اقتصاد

با پیشرفت فناوری و افزایش آگاهی درباره‌ی تأثیر احساسات بر اقتصاد، مدیریت احساسی اقتصاد به یکی از

جلوگیری کرد و به نتایج بهتری در حوزه‌های مالی و اقتصادی دست یافت.

### ۳. منابع و مؤاخذ

رولاند تی راست و مینگ هوی هوانگ،  
(۱۴۰۲)، اقتصاد احساس (معصومه مترصد ،  
مترجم). تهران: شباهنگ.  
جرج اکرلاف و رابرت شیلر، (۱۳۹۷)، روحيات  
حيوانی (ندا رستمی، مترجم). تهران: نشر نی.  
ریچارد اچ. تیلر، (۱۳۹۶)، کثرتاری: داستان  
شکل‌گیری اقتصاد رفتاری (مهدی قاسمی،  
مترجم). تهران: نشر نو.  
دانیل کانمن، (۱۳۹۵)، تفکر سریع و کند  
(سارا شریعتی، مترجم). تهران: نشر چشمه.  
مارتین پرینگ، (۱۳۹۸)، احساسات در  
بازارهای مالی (امیرحسین رستمی، مترجم).  
تهران: آوای نور

Robert B. Cialdini. (۲۰۰۶). The Psychology of Persuasion. Publisher: Harper Business.

Dan Ariely. (۲۰۰۸). The Hidden Forces That Shape Our Decisions. Publisher: HarperCollins.

Richard H. Thaler & Cass R. Sunstein (۲۰۱۱). Improving Decisions About Health, Wealth, and Happiness. Publisher: Yale University Press.

Daniel Kahneman.(۲۰۰۱). Thinking, Fast and Slow. Publisher: Farrar, Straus and Girou.

Daniel Gilbert. (۲۰۰۶). Stumbling on Happiness. Publisher: Knopf.

Sendhil Mullainathan & Eldar Shafir. (۲۰۱۳). Scarcity: Why Having Too Little Means So Much Publisher: Times Books.

Dan Ariely. (۲۰۱۰). The Upside of Irrationality: The Unexpected Benefits of Defying Logic at Work and at Home. Publisher: HarperCollins